

سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛
گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

بخش (۸)

کبیر توخی

تاریخ نگارش (۱۴ جنوزی ۲۰۰۹)

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " (۱۶ جنوری ۲۰۱۲)

گوشه ای از عملکرد های CIA در افغانستان

- ۱- تأملی گذرا؛ بر سیاست امپریالیزم امریکا در قبال افغانستان .
- ۲- امپریالیزم امریکا برای تسخیر افغانستان به کدام شیوه ها متصل شد .
- ۳- بعضی ابعاد مهم کار کرد های سازمان سیا که منجر به کمترین عکس العمل مردم در برابر تجاوز آشکار امریکا به افغانستان گردید.
- ۴- سازمان سیا با کدام نهاد ها در افغانستان اعمال نفوذ می کرد.
- ۵- فعالیت سیا در قالب انجو ها در افغانستان.
- ۶- زندان های افغانستان و زندان های اعمار شده توسط امریکا ، تماماً تحت نظر مستقیم سیا اداره می شوند.
 - A- زندان های رسمی
 - B- زندان های خصوصی
- ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [Private Military Companies (PMC)
- ۸- ازخاد KGB تا "راما"ی CIA در افغانستان
 - A- نگاهی اجمالی به خاد KGB و اسلافش
 - B- ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان

حال به اخبار مهمترین رادیوی امپریالیستی در جهان (BBC) راجع به NGO ها و نظرات برخی افراد در زیر توجه کنیم به اضافه این نکته که هر گاه تبصره بر نظرات پخش شده از رادیوی بی بی سی صورت گیرد نوشته به درازا می کشد، اگر این امر به خوانندگان گرامی محول شود چه بهتر

BBC PERSIAN.com

۱۸:۱۴ گرینویچ - پنج شنبه ۱۶ دسمبر ۲۰۰۴ میزگرد بررسی نقش سازمانهای غیر دولتی در افغانستان

"تصمیم اخیر رمضان بشر دوست، وزیر مستعفی برنامه ریزی (پلان) افغانستان، مبنی بر منحل اعلام کردن نزدیک به دوهزار از سازمانهای غیر دولتی (NGOs) در این کشور که از سوی دولت حمایت نشد و منجر به استعفای او شد، پرسشهای متعددی را به وجود آورده است. "؛ "یکی از این پرسشها، این است که سازمانهای غیر دولتی چه نقشی دارند و در افغانستان چه کارهایی انجام داده اند؟ این مسایل را، آصف معروف در لندن، با رمضان بشر دوست وزیر مستعفی برنامه ریزی افغانستان، صدیق پتمن [۱ - *] مسؤول یکی از سازمانهای غیر دولتی و میر احمد جوينده، رئیس بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی، که در استودیوی بی بی سی در کابل حضور یافته بودند در میان گذاشت."

"عملکرد قابل قدر سازمانهای غیردولتی"

"صدیق پتمن، مدیر یکی از سازمانهای غیر دولتی در افغانستان می گوید: "ان جی اوها در افغانستان در حالی که وجود آمدند که حکومت قانونی وجود نداشت و جهانیان مجبور بودند در دو دهه جنگ به مردم افغانستان کمک کنند، ان جی اوها توانستند از کمپ های (اردوگاههای) سوزان مهاجرت گرفته، تا دورترین نقاط افغانستان کمک های بشری و فوری به مردم برسانند. "؛ "آقای پتمن می افزاید که برای اصلاح سازمانهای غیر دولتی باید ابتداء قوانین دولتی مربوط به این سازمانها اصلاح شود، سپس در یک فرصت مناسب پس از اصلاح قوانین در دستگاه دولتی به نحوه عملکرد آنها رسیدگی شود."

"آیا همه سازمانهای غیر دولتی فاسدند؟ اما آیا واقعا تمام سازمانهای غیر دولتی دچار فساد مالی هستند و ناکار آمد به حساب می آیند؟ رمضان بشر دوست وزیر مستعفی برنامه ریزی افغانستان بر این عقیده است که دوره ان جی اوها در افغانستان در دوران جهاد و مقاومت دوران طلائی بوده است و حتی تعدادی از کارکنان این سازمانها خونشان با مبارزین و مجاهدین آغشته است. "؛ "او در عین حال می افزاید: "تعداد هزارو نهصد و سی و پنج سازمانی را که من منحل کردم، سازمانهایی هستند که در ردیف جنگسالاران و بدتر از جنگسالاران هستند و با همکاری جنگسالاران حکومت ما و قانون ما را نادیده گرفته اند."

"آقای بشردوست تأکید می کند که در دوران وزارت خود به نقاط مختلف افغانستان سفر داشته و با مردم از نزدیک دیدار کرده و شاهد این بوده که ان جی اوها نه تنها کار باز سازی را پیش نمی برند، بلکه به گفته وی،

مشغول چپاولگری هستند." ؛ " او می گوید که با مهندسان و متخصصانی از وزارت های آبیاری و زراعت و مسؤولانی از شهرداری کابل به نقاط مختلف سفر کرده است و آنها از مواد اولیه ساختمانی و یا کلینیک ها و مدارس ایجاد شده توسط ان جی او ها دیدن کرده اند و متوجه بی کیفیتی کار و عدم اجرای صحیح طرحها و ظاهر سازی این ان جی او ها شده اند."

" آیا با توجه به اظهارات آقای بشر دوست مبنی بر رسیدگی اینگونه بر عملکرد ان جی او ها تصمیم گرفته شده توسط او صحیح بوده است ؟ " ؛ " کار بیست و پنج ساله را نمی توان یک شبه ارزیابی کرد " ؛ " میر احمد جوینده رئیس بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی تصمیم آقای بشر دوست را عجولانه می داند و عقیده دارد که نمی توان کار یک ان جی او را که بیست و پنج سال فعالیت داشته در یک شب مورد ارزیابی قرارداد. " ؛ " آقای جوینده می افزاید: " ممکن است بسیاری از گزارشهایی که به وزیر پلان داده شده است مطابق ذوق و علاقه کارکنان دولتی و با انگیزه قبلی بوده باشد و ما باید صبر می کردیم تا قوانین جدیدی در رابطه با ان جی او ها تصویب می شد و سپس با مشورت با کشورهای کمک کننده تصمیم جدیدی اتخاذ می شد."

" نقش وزارت برنامه ریزی در افزایش سازمانهای غیر دولتی "

" صدیق پتمن عقیده دارد که ازدیاد ان جی او ها که در زمان حکومت طالبان فقط به سیصد و پنجاه سازمان می رسید و در سه سال گذشته به بیش از دوهزار ان جی او رسیده، از جمله کارهای خود وزارت پلان بوده است که مسلماً پس از به رسمیت شناختن این تعداد ان جی او ممکن است بسیاری از مؤسسات ناکار آمد هم وارد کار شده باشند. " ؛ " آقای پتمن می گوید که اصلاح این امر نباید از اعلام در رسانه ها شروع می شد بلکه باید از فعالیتها و برنامه ریزیهای دقیق در وزارت شروع می شد و پس از هماهنگی با دولت و اجرای قانون جدید، نتیجه کار به مردم اطلاع داده می شد."

" آیا استعفای بشردوست سیاسی بوده است ؟ "

" آقای پتمن معتقد است که در شرایط کنونی کاری صورت نگرفت جز هرج و مرج در جامعه، بی اعتمادی در دولت، استعفای آقای بشر دوست، و بی اعتمادی مردم نسبت به ان جی او ها. صدیق پتمن استعفای وزیر پلان را نه تنها یک کار تکنیکی و ظاهری، بلکه یک عملکرد سیاسی در نزدیک شدن به پایان احتمالی کار وزارت پلان و تشکیل کابینه جدید می داند."

" بشردوست: تصمیم من سیاسی نبود "

" اما رمضان بشردوست با اشاره به این مطلب که از مجموع دوهزار و سیصد و پنجاه و پنج ان جی او، به چهارصد و پنجاه ان جی او اجازه فعالیت داده، از شش ماه قبل ریاست نظارت بر کار ان جی او ها را تأسیس کرده و از دو ماه پیش قانون جدید مربوط به عملکرد، تکالیف و حقوق ان جی او ها را مطرح کرده است تصمیم خود به کناره گیری از وزارت را، به هیچ وجه یک تصمیم سیاسی نمی داند. " ؛ " با این وجود کارشناسان عقیده دارند که در

شرایطی که افغانستان هنوز به مرحله ای نرسیده که بتواند برای اجرای تمام طرحهای بازسازی و توسعه نی به تنهایی عمل کند و مردم افغانستان به کمکهای کشورهای خارجی نیاز مبرم دارند و فساد مالی در تمام سطوح اداری و دولتی به وضوح به چشم می خورد، برای ایجاد چنین تصامیمی باید تأمل بیشتری صورت گیرد و اصلاحات از ریشه آغاز شود.»

بلی خواننده عزیز!

این بود واقعیت پنهان شده در بطن اهداف انجوها یعنی تذکار عمده ترین ابعاد مخرب، ضد مردمی و ضد انقلابی و ضد آزادی انجوها به طور مشخص در افغانستان.

در پایین این بحث توجه خوانندگان گرامی را به سخنرانی بلند و با محتوای مبارز معروف هندی «آرونداتی روی» تحت عنوان **"قدرت مردمی در عصر امپریالیسم"** جلب می نمایم که برخی از ابعاد مهم کارکرد NGO را در تاریخ ۱۶ اگست ۲۰۰۴ در سانفرانسیسکو بی رحمانه افشاء کرده است.

«سایت هشت مارچ»

NGO نیزه کردن مبارزه!

آرونداتی روی (مترجم: ادنا سپهری) به نقل از به پیش! شماره ۵، ۸ مرداد [اسد] ۱۳۸۴

"مقاومت واقعی عواقب واقعی دارد، و از حقوق ماهانه هم خبری نیست!"

«مطلبی که می خوانید بخشی از سخنرانی بلند "آرونداتی روی" تحت عنوان "قدرت مردمی در عصر امپریالیسم" است که در تاریخ ۱۶ اگست ۲۰۰۴ در سانفرانسیسکو ایراد شد. بخش کوتاهی که در اینجا ترجمه شده در رابطه با نظرات جالب او در مورد NGO ها می باشد. روی اهل هند است و با رمان «خداوند خرده ریزها» که جایزه «بوکر پرایز» را در سال ۱۹۹۷ به دست آورد به شهرت جهانی رسید. یک سال بعد در مخالفت با تسلیح اتمی هند مقاله «پایان تخیل» را نوشت که خشم بسیاری از ناسیونالیست های هندی را برانگیخت. در هند «آرونداتی روی» فعال سیاسی و اجتماعی شناخته شده ای است. او از جنبش حقوق برابر برای کاست "نجس ها" [به هندی "اچوت" توخی] حمایت کرده و برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از خانه خرابی دهقانان با پروژه ایجاد سد عظیمی در دره نارمادا فعالانه مخالفت کرده است. فعالیت اخیر موجب محاکمه جنجالی او در دیوان عالی کشور هند شد. پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ آرونداتی روی از نخستین روشنفکرانی بود که در مخالفت با جنگ افروزی امریکا صدای خود را بلند کرد، و به سرعت به یکی از چهره های برجسته جنبش جهانی ضد جنگ بدل گشت و تا امروز به فعالیت های خستگی ناپذیر خود ادامه داده است. دو کتاب «هزینه زندگی» و «سیاست قدرت» مجموعه مقالات آرونداتی روی در رابطه با فعالیت های سیاسی و اجتماعی اوست.

به پیش!

* جنوری ۲۰۰۱ در پورتو آلگره برزیل بیست هزار نفر از فعالان جنبش های مختلف و همچنین دانشجویان و فیلمسازان، یعنی برخی از بهترین مغزهای جهان، دور هم جمع شدند و تجارب خود را در مورد مقابله با امپراتوری با هم در میان گذاشتند. حرکت موسوم به «فوروم اجتماعی جهان» World Social Forum در آنجا پا به عرصه وجود گذاشت. این شروع رسمی حرکتی بود مهیج و شورشی بدون تطابق با تعلیمات رایج؛ حرکتی پرانرژی و نوع جدیدی از قدرت مردمی. فریاد عمومی «فوروم اجتماعی جهان» این است که "دنیای متفاوتی امکان پذیر است!". این فوروم (گردهمایی) تریبونی شده است برای صدها گفت و گو و بحث و سمینار با امید ساختن تفکری در مورد این که دنیا چگونه باید باشد.

جنوری ۲۰۰۴ چهارمین «فوروم اجتماعی جهان» در مومبای Mumbai (بمبئی) هندوستان با حضور دویست هزار نماینده برگزار شد. من در عمرم در چنین تجمع پر هیجانی شرکت نکرده بودم. رسانه های حاکم هند به خاطر همین موفقیت آن را کاملاً نادیده گرفتند. ولی اکنون موفقیت های «فوروم اجتماعی جهان» را مورد تهدید قرار می دهند. محیط آرام و باز و شاد این گرد همائی اجازه شرکت و اظهار نظر به سیاستمداران و NGO هائی (سازمانهای غیر حکومتی) (Non-Governmental Organization) داد که وابسته به سیستم سیاسی اقتصادی هستند که این فوروم مخالف آنست

خطر اینست که «فوروم اجتماعی جهان» که نقشی اساسی برای جنبش عدالت جهانی ایفاء کرد حالا در معرض تبدیل شدن به هدفی در خود است. از جمله این که سازماندهی سالیانه آن انرژی برخی از بهترین فعالان جنبش را به خود معطوف میکند. اگر بحث درباره مقاومت جایگزین نافرمانی مدنی شود «فوروم اجتماعی جهان» ممکن است تبدیل به وسیله ای دردست کسانی شود که از ابتداء مخالف این جنبش بودند. این تجمع باید برگزار شده و رشد کند، ولی باید راههائی پیدا کنیم که بحث های آن به سمت اقدامات عملی پیش روند... خطر دیگری که جنبش با آن مواجه است NGO نیزه شدن مقاومت است. حرفی را که الان میخواهم بزنم میتوان به سادگی پیچاند و علیه همه NGO ها به کار برد. ولی واقعیت این نیست. در دنیای تیره NGO های ساختگی که صرفاً برای اخذ بورسیه یا فرار از مالیات درست شده اند (از جمله در ایالاتی مثل بیهار در هند اینها را تحت عنوان جهیزیه میدهند) قطعاً NGO هائی هستند که خدمات پر ارزشی میکنند. ولی مهم اینست که به پدیده NGO ها در یک زمینه سیاسی نگاه کنیم. به عنوان مثال در هند رونق NGO هائی که بودجه شان تأمین بود از اواخر دهه ۱۹۸۰ و در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. این همزمان با باز شدن بازارهای هند به روی سیاست های نئولیبرالی بود. در آن زمان دولت هند برای اینکه خود را با تعدیل ساختاری نئولیبرالی تطبیق دهد بودجه های توسعه روستا و کشاورزی و انرژی حمل و نقل و سلامت عمومی را به تدریج کم کرد. همانطور که دولت نقش سنتی خود را رها میکرد NGO ها نیز وارد عمل می شدند، با این تفاوت که بودجه ای که در اختیار NGO ها قرار می گرفت تنها بخش ناچیزی از قطع بودجه هزینه های رفاه عمومی بود. عمده NGO هائی که بودجه قابل توجهی دارند توسط نهادهای (بین المللی) توسعه و کمکهای عمرانی تأمین مالی و هدایت می شوند، که بودجه خود آنها به نوبه خود از طریق حکومت های غربی و بانک جهانی و سازمان

ملل و برخی شرکت های چند ملیتی تأمین می شود. هرچند که این مؤسسات متفاوتند ولی همگی بخشی از یک ساختار گل و گشاد سیاسی هستند که پروژه های نئولیبرالی را سرهم بندی و در درجه اول حکومت ها را وادار به قطع بودجه های رفاه اجتماعی میکنند چرا مؤسسات بین المللی به NGO ها بودجه می دهند؟ آیا این از نوع خیرخواهی مدل قدیمی میسیونرهای مذهبی (مبلغین مذهبی) است؟ احساس گناه است؟ قضیه کمی فراتر از این است. NGO ها این احساس را به وجود می آورند که خلاء وجود خدمات دولتی را پر می کنند. و البته می کنند، اما به شیوه ای که از نظر مادی بی نتیجه است. سهم واقعی NGO ها خاموش کردن خشم سیاسی مردم است. آنچه را که مردم بر اساس حق شان باید داشته باشند NGO ها به صورت خیرات و کمک می دهند.

NGO ها تفکر اجتماعی را تغییر می دهند. آنها مردم را به قربانیانی وابسته تبدیل می کنند و برندگی تیغه مقاومت سیاسی را کند می سازند. NGO ها منطقه حفاظتی بین حکومت و مردم به وجود می آورند. بین سلطه گر و مردم تحت سلطه. آنها تبدیل به میانجی گران و توضیح دهندگان و تسهیل کنندگان شده اند.

در نهایت NGO ها باید به کسانی که بودجه شان را پرداخت میکنند حساب پس دهند نه به مردمی که در میان شان کار می کنند. گیاه شناسان احتمالاً NGO ها را در رده نباتات شاخص ارزیابی میکنند. انگار که هرچه فلاکت ناشی از نئولیبرالیزم بیشتر است ظهور NGO ها هم فزونتر است. زنده ترین شاهد آن زمانی است که ایالات متحده آمریکا خود را آماده حمله به یک کشور می کند و همزمان با آن NGO ها را مهیا می سازد تا وارد شوند و ویرانی جنگ را پاکسازی کنند.

NGO ها برای این که مطمئن شوند بودجه شان به مخاطره نمی افتد و حکومت های محلی به آنها اجازه عمل می دهند ناچارند کارشان را در یک چهارچوب سطحی و کم و بیش خالی از زمینه های سیاسی یا تاریخی ارائه دهند. گزارش های غیرسیاسی (که در واقع به شدت هم سیاسی هستند) از مصائب کشورهای فقیر و مناطق جنگ زده نهایتاً مردم تیره این کشورهای تیره را همچون قربانیانی بیمار و غیرطبیعی جلوه می دهد. باز هم یک هندی مبتلا به سوء تغذیه، یک اتیوپیایی قحطی زده، اردوگاهی دیگر از پناهندگان افغانی، یک سودانی ناقص شده ... همگی محتاج کمک سفیدپوستان. اینها ناخواسته کلیشه های نژادپرستانه را تقویت می کنند و مجدداً بر دستاوردها، کمک ها و همدردیهای (هرچند از نوع عشق خرکی یا tough love) تمدن غرب صحه می گذارند. اینها میسیونرهای سکولار دنیای مدرن هستند.

نهایتاً سرمایه ای که در اختیار NGO ها قرار می گیرد به شیوه ای موزیانه در سیاست های آلترناتیو همان نقشی را ایفاء می کند که سرمایه های احتکاری از داخل و خارج در اقتصادهای کشورهای فقیر به عهده دارند. یعنی برنامه عمل تعیین می کند و مقابله جوئی را به مذاکره تبدیل می کند و مقاومت را غیر سیاسی می کند و در جنبش های مردمی که به طور سنتی متکی به خود بودند مداخله می کند. NGO ها با بودجه ای که دارند قادرند مردمی را که می توانند تبدیل به فعالان جنبش های مقاومت شوند به استخدام خود

درآوردند. این مردم احساس می کنند که خدمت ضروری و بدیعی انجام می دهند (و در کنار آن درآمدی هم دارند). در حالی که مقاومت سیاسی واقعی به هیچ وجه چنین میان برهائی ندارد.

NGO نیزه کردن سیاست خطری است که مقاومت را به یک شغل بانزاکت و معقول و باحقوق ماهیانه، از ساعت نه صبح تا پنج بعد از ظهر، تبدیل میکند و گاه و بیگاه مزایائی هم اضافه می شود. مقاومت واقعی اما عواقب واقعی دارد و از حقوق ماهیانه هم خبری نیست. «

این قلم به آنانی که در NGO ها صرفاً به خاطر امرار حیات مشقتبار خود و فامیل شامل درکارند، حرمت می گذارد؛ نه به کسانی که با داشتن همین مشکل شامل NGO شده بعداً در خدمت سیاست های NGO ها قرار گرفته، هدفمندانه سمت و سوئی را برای خزیدن به سازمان سیا جست و جو نموده با کلمات و جملات میان خالی، NGO ها را سازمانهای "خدمت گزار مردم" جلوه می دهند و بر چپ واقعاً مبارز با نوشتن دکماتیست، کتاب پرست، راحت طلب، لمیده در بستر گرم و دور از مردم و وطن و شرایط، معاش خور و لفیور و سوسیال و کشور های امپریالیستی می تازند.

[۱ - *] « اعضای شورای عالی و نظامی به شمول قاری محمد برات و محترم جلیل سرتور که بتاريخ ۲۷ / ۲۸ دلو ۱۳۶۱ هجری شمسی گرفتار شده بوند به خاد شش درک تحت نظارت شدید قرار داده شدند ... ؛ در جریان تحقیق در خاد شش درک قراریکه بعداً اطلاع یافتیم با یک تعداد اعضای رهبری افغان ملت . داکتر نجیب که در آن زمان رئیس امنیت دولتی "خاد" بود ملاقات نموده بودند . این ملاقات چند مرتبه صورت گرفته بود . اشخاص مذکور عبارت بودند از:

۱- عبدالحمید "یقین" یوسف زی " . ۲- عبدالرحمن "خرک" . ۳- داکتر منیر "شنواری" . ۴- محمد صدیق "پتمن" ۵- محمد صابر "شنواری" دگر من ریاست زره دار و موتر دار .

از تاریخ گرفتاری اعضای مرکزی حزب افغان ملت ، تا یک سال قبل از آزادی ؛ یعنی در مدت چهار یا پنج سال چندین بار، عده ای از سر شناس ترین اعضای افغان ملت ؛ مانند عبدالحمید یقین یوسف زی ، داکتر خرک ، صدیق پتمن [وی اکنون با دولت کززی همکاری نموده (آقای عزیز الله گفته که " صدیق پتمن معین وزارت معارف در دولت کززی هم بوده ") حداد و حزب "افغان ملت" اش از شروع کار در پهلوی دست نشاندۀ مشهور حامد کززی قرار داشته اند ...] و ... را برای مصاحبه به تلویزیون می آوردند . تا حزب خود و خط مشی آن را به نقد بکشند و قوای اشغالگر و مزدوران خلقی و پرچمی آن را به ستایش بگیرند و آنان را نماینده واقعی مردم افغانستان بخوانند .

افغان ملتی ها (آن جمعی که دایماً مصاحبه تلویزیونی می کردند) بعد از اینکه در تلویزیون از خود و خط مشی خود انتقاد می کردند ، و تجاوز ارتش شوروی به افغانستان را بی شرمانه " کمک انتر ناسیونالیستی کشور دوست اتحاد شوروی " می خواندند به زندان پلچرخی انتقال داده می شدند ... «

(نقل از نوشته ارسالی آقای عزیز اله نظر یک تن از اعضای رهبری افغان ملت عنوانی این قلم که در "خاطرات زندان" (بخش - ۱۱) درج گردیده است) .